



مروری بر شاخص‌ها و مولفه‌های کیفیت زندگی شهری (مورد مطالعه شهر همدان)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۲

اسداله نقدی

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی naghdi@basu.ac.ir

حیدر بابایی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی parviz.a_babaei.haidar@gmail.com (مسئول مکاتبات)

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: مفهوم محوری در مطالعات مرتبط با کیفیت زندگی شهری سنجش میزان و کیفیت تحقق نیازهای مادی و معنوی شهروندان در دو بعد شاخص‌های ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) در زمینه‌های مختلف (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی) است. مطالعات در این خصوص از ۱۹۳۰ مورد توجه متخصصان مسائل شهری قرار گرفت. این موضوع ابتدا در کشورهای توسعه یافته و سپس جوامع در حال توسعه بسط پیدا کرد. هدف اصلی این مقاله بررسی ابعاد، عناصر و مدل‌های مختلف سنجش و هم‌چنین مقایسه شاخص‌های عینی و ذهنی در یکی از مراکز استان در غرب ایران و شهر همدان است. با توجه به سابقه دیرینه شهری همدان و گزینش این شهر بعنوان پایتخت تاریخ و تمدن ایران، این شهر بعنوان جغرافیای تحقیق انتخاب شده است.

روش پژوهش: روش این مقاله پیمایشی بوده است و نتایج نشانگر اهمیت توجه به هر دو بعد ذهنی و عینی کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی شهری است. جامعه آماری خانوارهای ساکن در شهر همدان می‌باشند که در این میان ۳۸۰ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات ابتدا شهر همدان به صورت خوشه‌ای به محلات نسبتاً هم‌گون تقسیم، و سپس در مرحله بعد پس از تعیین خوشه‌ها و بلوک‌ها با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی، نمونه نهایی برگزیده شد. سپس محلات از بین خوشه‌های چهارگانه انتخاب شدند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: بر خلاف انتظار اولیه نتایج نشانگر عدم رابطه معناداری بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در مناطق مختلف شهر با میزان رضایت‌مندی می‌باشد. هم‌چنین بعد ذهنی بر دیگر ابعاد کیفیت زندگی ارجحیت دارد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، بعد عینی، بعد ذهنی، برنامه‌ریزی شهری، توسعه

مقدمه و بازخوانی مفهوم کیفیت زندگی

پس از مطالعات رشد کمی شهری شدن جهان طی ده‌های گذشته، اخیر موضوع مطالعه کیفیت زندگی در شهر به یکی از محورهای عمده رشته‌های مرتبط با دانش شهری مبدل شده است: رشد شهری در قرن بیستم سهم جمعیت شهرنشین را به شدت افزایش داد و شهرنشینی را به شیوه غالب زندگی تبدیل کرد. اگرچه شهر و شهرنشینی خود یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رفاه و توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود، رشد شتابان آن می‌تواند سرانه برخورداری از بسیاری امکانات اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهد و از این طریق پیامدهای آن به صورت کاهش سطح کیفیت زندگی در عرصه‌های مختلف شهری نمایان شود. لذا مقوله کیفیت زندگی شهری از جمله نخستین محورهای مطالعاتی بود که همراه با رشد شهری، به تدریج از ۱۹۳۰ مورد توجه متخصصان مسائل شهری قرار گرفت (علی اکبری و امینی، ۱۳۸۹). کیفیت زندگی شهری مقوله‌ای میان رشته‌ای، پیچیده، چند بعدی و مرتبط با جنبه‌های ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است که تعاریف و مفاهیم متعددی از آن ارائه شده است: کیفیت زندگی ارتباط متقابل میان جامعه، سلامت، اقتصاد و شرایط محیطی است که انسان و توسعه اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (اسکنز و بولهوور^۱، ۲۰۰۴). کیفیت زندگی شهری دربرگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی هم-چون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد. لذا از این منظر آن را رضایت اجتماعی نیز می‌نامند و بر اساس آن به شاخص‌های دسترسی به فرصت‌های اجتماعی مثل اشتغال، ثروت و اوقات فراغت توجه می‌شود (سیف-الدینی، ۱۳۸۱: ۳۷۵). کیفیت زندگی شهری احساس رضایت کلی از زندگی می‌باشد (سیک^۲، ۲۰۰۰). مفهوم کیفیت زندگی و مفاهیم مرتبط چون کیفیت زندگی شهری، پایداری و سایر مفاهیم، مورد توجه بسیاری از برنامه‌های تحقیقاتی، سیاست‌گذاران و مدیران شهری می‌باشد (کمپ^۳ و همکاران، ۲۰۰۳). کیفیت زندگی می‌تواند در دو بعد عینی و ذهنی با شاخص‌های مربوط به هر یک از دو دسته از شاخص‌ها، اندازه‌گیری شود. شاخص‌های عینی در سطوح محله، شهر و ناحیه کاربرد بیش‌تری دارد. از طرفی دیگر، شاخص‌های ذهنی بیش‌تر در سطح افراد جامعه شهری یا روستایی استفاده می‌شود و در آن رضایت‌مندی شخص از زندگی و تجارب حاصل شده مورد بررسی قرار می‌گیرد (سیک، ۲۰۰۰). بدین ترتیب جوهره اصلی کیفیت زندگی شهری تامین

نیازهای مادی و معنوی انسان است که برای شناخت و ارزیابی آن معمولاً به دو دسته شاخص‌های ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی توجه می‌شود (کوکبی و دیگران، ۱۳۸۴).

در طول سال‌های گذشته، بسیاری از محققان بخصوص آندسته که به تعامل علوم اجتماعی و زیست محیطی باور داشتند، برنامه‌ریزی‌هایی پیشنهاد کرده‌اند که مطالعات کیفیت محیطی باید شامل هم ابعاد عینی پدیده‌های زیست محیطی و هم ابعاد ذهنی پاسخ‌های انسانی به آن‌ها باشد. علاوه بر این، دانشمندان پیشنهاد کرده‌اند که چنین مطالعه‌ای می‌تواند در بین تحقیقات در زمینه کیفیت زندگی اتفاق بیفتد. به تازگی، مسائل مربوط به کیفیت زندگی به طور فزاینده‌ای بر روی شهرهای تازه صنعتی و کشورهای در حال توسعه، متمرکز شده است. مطالعات پیشگام در این زمینه توسط محققان در کشورهای غربی انجام شده است که از رشته‌های متعددی از قبیل: برنامه‌ریزی، معماری، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی آمده‌اند. در طی دهه‌های اخیر مطالعات کیفیت زندگی در مناطقی از جهان توسعه یافته رشد کرده است. در همین حال، تحقیقات مستند در زمینه کیفیت زندگی در منطقه آسیا کم‌یاب و نادر بوده است.

از دهه ۱۹۳۰ تا بحال محققانی از رشته‌های مختلف کیفیت زندگی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. این محققان تلاش کرده‌اند تا اجزاء تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی را شناسایی کنند و در مناطق مختلف جغرافیایی، از جمله شهرها، دولت‌ها، و ملت‌ها را با استفاده از میزان توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی با هم مقایسه کنند. علاوه بر این، سازمان‌های بین‌المللی مانند برنامه عمران سازمان ملل متحد، سازمان ملل متحد، و سازمان جهانی بهداشت^۴ اقدامات خود را در زمینه کیفیت زندگی آغاز کرده‌اند. تا به امروز، علم نتوانسته است یک چارچوب جامع برای پرداختن به مسائل مربوط به کیفیت زندگی، در شیوه‌ای یکپارچه و امکان ارزیابی شاخص‌های فیزیکی، فضایی و اجتماعی را طراحی کند (لی^۵، ۲۰۰۸).

اهداف تحقیق

هدف اصلی این مطالعه، بررسی مولفه‌ها و شاخص‌های کیفیت زندگی شهریمی‌باشد و اهداف فرعی آن عبارت است از:

- کیفیت زندگی شهری معمولاً هم توسط شاخص‌های ذهنی و با استفاده از پیمایش‌هایی در جهت جمع‌آوری ادراکات ذهنی و ارزیابی‌ها و میزان رضایت شهروندان از زندگی شهری و هم توسط شاخص‌های عینی و با استفاده از داده‌های ثانویه و وزن‌دهی مربوط به هر شاخص در محیط شهری انجام می‌پذیرد (مک کری، ۲۰۰۴).

با توجه به مطالب و تعاریف فوق و عناصر مهم و اصلی آن‌ها، در مجموع می‌توان کیفیت زندگی شهری را به شکل زیر و به صورت عملیاتی تعریف نمود:

- کیفیت زندگی شهری، واژه‌ای در بر دارنده دو دسته از شاخص‌های ذهنی (کیفی) و عینی (کمی) است که با توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی به دنبال برنامه‌ریزی تامین نیازهای مادی و معنوی زندگی شهروندان و رضایت‌مندی حداکثری آنان از زندگی می‌باشد. (وظیفه دوست و همکاران، ۱۳۸۸)

ابعاد و اجزای تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی شهری

تعداد زیادی از محققان، همانند مک کال^۷ (۱۹۷۵)، مایرز^۸ (۱۹۸۷)، دیویدسن و کاتر^۹ (۱۹۹۱)، اوبرین و ایدی^{۱۰} (۱۹۹۱) گری سن و یونگ^{۱۱} (۱۹۹۴)، دینر و ساهه^{۱۲} (۱۹۹۷)، تراک سرور و اتالک^{۱۳} (۲۰۰۱)، در مورد ادبیات کیفیت زندگی، بررسی و مرور کرده‌اند و در این مورد موافقت وجود دارد که تعریفی پر معنی و جامع از کیفیت زندگی می‌بایست به رسمیت شناخته شود که این مفهوم (کیفیت زندگی) دو بعد مرتبط و پیوسته دارد، یعنی یک بعد روان‌شناختی و یک بعد محیطی (لطفی، ۱۳۸۸).

گری سن و یونگ (۱۹۹۴) اشاره می‌کنند به نظر می‌رسد یک توافق و اجماع وجود داشته باشد که در تعیین کیفیت زندگی دو سری بنیادی از اجزا و فرایندها در تعامل می‌باشند: آن‌هایی که به یک فرایند روان-شناختی داخلی وابسته‌اند و یک احساس رضایت‌مندی و یا کامروایی را ایجاد می‌کنند و آن‌هایی که شرایط بیرونی هستند و فرآیندهای داخلی را بر می‌انگیزند. (لطفی، ۱۳۸۸).

در بسیاری موارد بین این دو دسته از شاخص‌ها هم-بستگی بالایی وجود دارد. مثلاً کیفیت بالای تسهیلات، سطح بالایی از رضایت‌مندی را به همراه دارد. اما در عین حال در برخی موارد نتایج حاصل از تحلیل شاخص‌های عینی (مثلاً متغیرهای مالی) با تحلیل شاخص‌های ذهنی

۱-سنجش و مقایسه تاثیر بعد عینی و ذهنی بر کیفیت زندگی شهری
۲- بررسی تاثیر خصوصیات فردی، اجتماعی و اقتصادی بر درک افراد از کیفیت زندگی.

سوالات تحقیق

۱- آیا بین میزان تاثیر ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی تفاوت معناداری وجود دارد؟
۲- آیا خصوصیات فردی، اجتماعی و اقتصادی بر درک افراد از کیفیت زندگی تاثیر گذار هستند؟

مفهوم کیفیت زندگی

اصولاً، کیفیت زندگی، واژه‌ای پیچیده، چندبعدی و کیفی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله، بخش و...) است که هم متکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص‌های عینی یا کمی است (وظیفه‌دوست و امینی، ۱۳۸۸). کیفیت زندگی از دیدگاه‌های متفاوتی تعریف شده است و اگرچه اجماع بسیار کمی درباره تعریف کیفیت زندگی وجود دارد، اما بعضی از مهم‌ترین این تعاریف به شرح زیر هستند:

- برخی این واژه را مترادف با رفاه می‌دانند. دیگران آن را بیانی از رفاه می‌دانند که به وسیله مقدار کالاهای عمومی و پراکنش آن‌ها مشخص می‌شود (مک کری^۶ و همکاران، ۲۰۰۶).

- کیفیت زندگی، یک مفهوم کلی است که تمام جنبه‌های زیستی را، شامل رضایت مادی، نیازهای حیاتی، به علاوه جنبه‌های انتقالی زندگی نظیر توسعه فردی، خودشناسی و بهداشت اکوسیستم را پوشش می‌دهد (چاران دوب، ۱۳۷۷: ۹۲).

این مفهوم می‌تواند در بردارنده قابلیت‌های شخصی، و توانایی پیش بردن یک زندگی معمولی و حتی همه مسایل مربوط به زندگی (مثل مسکن، فعالیت‌های فراغت، محیط، کار و درآمد) را شامل شود. برخی نیازهای انسانی را مبنای این مفهوم دانسته و کیفیت زندگی را میزان ارضاء شدن این نیازها می‌دانند (فاضلی، ۱۳۸۹: ۴۵).

به هر روی هرچند که شناخت و ارزیابی و مطلوبیت بخشیدن به کیفیت زندگی شهری، ورای یک شاخه علمی خاص قرار می‌گیرد، اما همانند کیفیت زندگی دارای تعاریف متفاوت و حتی چندگانه‌ای است که بعضی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر هستند:

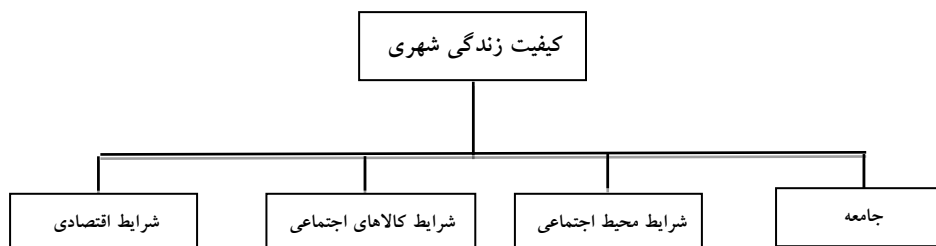
شاخص‌های سنجش کیفیت زندگی شهری

از دهه ۱۹۳۰ به بعد محققین و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف فکری و هم‌چنین نهادهای بین‌المللی (مرکز توسعه سازمان ملل متحد و انجمن توسعه دریاها) به منظور مقایسه و ارزیابی واحدهای مختلف جغرافیایی از نظر سطح کیفیت زندگی شهری، به تعریف مفاهیم و اجزای کیفیت زندگی پرداخته‌اند. کیفیت زندگی بنا به ماهیت چند رشته‌ای و چند بعدی خود، مفهومی چند بعدی با اجزاء و عناصر چندگانه و متفاوت است. بر این اساس یافتن یک مجموعه ویژگی‌های مشترک در ادبیات کیفیت زندگی تقریباً غیر ممکن است. کیفیت زندگی شهری هم توسط شاخص‌های ذهنی و با استفاده از پیمایش‌هایی برای جمع‌آوری ادراکات ذهنی و میزان رضایت شهروندان از زندگی شهری ارزیابی می‌شود و هم توسط شاخص‌های عینی و با استفاده از داده‌های ثانویه و وزن‌دهی به هر شاخص در محیط شهری. (مک کری و همکاران، ۲۰۰۴).

در ابتدا برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی، اغلب شاخص‌های اجتماعی بر پایه آمارهای حکومتی سلامت که مبتنی بر شرایط عینی محیط زندگی می‌باشد، مورد توجه بوده است که در این صورت تاکید بیش از حد بر شاخص‌های عینی موجب غفلت از شاخص‌های ذهنی می‌گردید. تا به حال تحقیقات صورت گرفته در زمینه کیفیت زندگی حاکی از ارتباط بین این دو دسته شاخص است. علاوه بر این شاخص‌های عینی کیفیت زندگی برای ارزیابی رفاه فردی دارای ضریب اعتماد بالا اما کارایی پایین است، اما در حالی که شاخص‌های ذهنی دارای ضریب اعتماد کم و کارایی بالا است (پاسیونی^{۱۷}، ۲۰۰۳). به طور کلی طرز برخورد با موضوع و هدف مطالعه عامل اصلی تعیین کننده در تعیین نوع شاخص‌ها و روش مطالعه است.

(مثلاً متغیرهای غیر مالی مانند: امید به زندگی، محیط بهتر و سایر موارد)، مشابه نبوده و رتبه‌بندی که از شهرها از نظر شاخص‌های عینی به دست می‌آید با رتبه‌بندی شاخص‌های ذهنی متفاوت است (نود^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۹). اما در عین حال وجود کنش بین شاخص‌های عینی و ذهنی امری امکان‌ناپذیر است. در واقع کیفیت زندگی گستره‌ای است که نیازهای در ارتباط با درک فردی یا گروهی رضایت‌مندی ذهنی از آن تحقق می‌یابد (فرجی ملایی، ۱۳۸۹). در بسیاری موارد اختلاف در انتخاب ابعاد مورد نظر در بررسی مفاهیم با موضوع یا رویکرد طرح شده در ارتباط است. در اصل تمام ویژگی‌های محیطی و تمام خصوصیات مردم به عنوان ابعاد رایج در ارتباط میان فرد و در تحلیل و ارزیابی آن مورد بحث است (میشل^{۱۵} و همکاران، ۲۰۰۱). از آنجایی که مفهوم "کیفیت زندگی" چنین پیچیده و چند وجهی است، غالباً گفته می‌شود که ترکیب و آمیختن هر دو بعد برای فراهم کردن تصویر کاملی از کیفیت زندگی در مورد یک شخص یا یک مکان، اهمیت دارد.

سانتوس و مارتینز^{۱۶} (۲۰۰۷) در پژوهشی که به منظور نظارت بر کیفیت زندگی شهری در شهر پورتو انجام داده‌اند، برای سنجش کیفیت زندگی شهری در این شهر جنبه‌های زیر را تعریف کرده‌اند (شکل شماره ۱). همان‌طور که گفته شد مفهوم کیفیت زندگی، مفهومی چند جانبه و چند وجهی می‌باشد. به اعتقاد برخی از محققان تعداد ابعاد مورد بررسی کیفیت زندگی خیلی مهم نیست، بلکه آنچه اهمیت زیاد دارد توجه به این مطلب است که هر مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی، باید بتواند نیاز به داشتن یک چارچوب چند بعدی را تشخیص دهد و به این که چه چیزهایی برای مردم در تعیین کیفیت زندگی‌شان مهم است توجه کند و اساساً هر بعد را در کنار سایر ابعاد، در کل نماینده مفهوم کاملی از کیفیت زندگی بداند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶).



شکل (۱) ابعاد کیفیت زندگی شهری از نظر سانتوس و مارتینز

منبع: سانتوس و مارتینز، ۲۰۰۷

سایر موارد نمونه‌ای از این دست مطالعات است (مالکینا^{۱۸}، ۲۰۰۸).

مدل‌های کیفیت زندگی

به منظور وزن‌دهی و امتیازدهی به ابعاد و شاخص‌های مختلف کیفیت زندگی شهری، مدل‌ها و روش‌های متنوعی در پژوهش‌های مربوطه مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع در هر مورد محققان و پژوهش‌گران با توجه به اهداف و امکانات پژوهش از مدلی خاص جهت وزن‌دهی استفاده کرده‌اند. این مساله که هر چقدر مدل پیچیده‌تر و اعمال آن مشکل‌تر باشد پس نتایج حاصله صحیح‌تر می‌باشد، نادرست می‌باشد. چرا که هر چقدر مدل پیچیده‌تر باشد بدهی است که داده‌ها و امکانات بیش‌تری را برای اعمال خود نیاز دارد و این مساله در شرایطی که امکانات ما محدود است، نه تنها ما را به سمت و سوی صحیح هدایت نخواهد کرد بلکه ممکن است سبب به وجود آمدن انحرافات بزرگی نیز در پروژه شده و نتایج را تحت تاثیر خود قرار بدهد. لیکن در این مرحله مهم‌ترین مساله این است که مدل و روشی انتخاب شود که با توجه به شرایط موجود پروژه، بیش‌ترین انطباق و سازگاری را داشته باشد (لطفی، ۱۳۸۸). با توجه به تنوع گسترده مدل‌ها به طرق مختلف آن‌ها را با مفاهیم قابلیت زندگی، کیفیت محیطی، کیفیت زندگی، پایداری و مفاهیم دیگر در ارتباط قرار داد. تفاوت‌های اساسی میان مدل‌ها عبارتند از:

- ۱- مقیاس (انفرادی یا تجمعی) ۲ - روشی که ارتباط شخص و محیط را ترسیم می‌کند (اکولوژی انسانی، موجودیت مستقل هر یک و یا ارتباطات متقابل)
 - ۳- مرتبط با خصوصیات عینی و ادراکات ذهنی ۴- الزامات یا معیارها (اصول) ۵- پایدار و یا متغیر (از نظر مکانی، شخصی و فرهنگی) (فلاحی یارولی، ۱۳۸۹).
- همچنین مدل دیگری توسط چنگ^{۱۹} (۱۹۹۷) ارائه شده است که در ارتباط با ابعاد زندگی خوب می‌باشد. این مدل مبتنی بر ۴ ثنوری به قرار زیر است: (۱) خوش-گذرانی (۲) ادراکات دیالکتیکی (۳) انسان‌گرایی یا ابعاد انسانی (۴) ابعاد رسمی. این مدل کاملاً مستقل از محیط بوده و به عنوان تشریحی از ارتباط درونی ادراکات افراد که منتهی به احساس زندگی خوب می‌گردد، مورد توجه قرار می‌گیرد (فرجی ملایی، ۱۳۸۹). یکی از مدل‌های مطرح شده در ارتباط با رویکرد اکولوژیکی، به وضوح قابلیت زندگی را به ابعاد اجتماعی و اقتصادی و فیزیکی مرتبط می‌سازد که از سوی نیومن^{۲۰} (۱۹۹۹) طرح

در حال حاضر ۲۰۰ شهر جهان از هر دو شاخص عینی و ذهنی برای محاسبه کیفیت زندگی شهری استفاده می‌کنند. مدل جکسونویل یک مدل شناخته شده در سنجش کیفیت زندگی در آمریکا است و در حال حاضر با ۷۱ شاخص جنبه متفاوتی از زندگی را ارزیابی می‌کند، که برای اندازه‌گیری و پایش کیفیت زندگی ارائه شده است. این مدل با استفاده از هر دو شاخص عینی و ذهنی تبدیل به یک کاتالیزور برای ایجاد تغییرات مثبت در شرایط زندگی شهروندان شده است (علی‌اکبری و امینی، ۱۳۸۹). اسمیت نیز برای بررسی کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی از شاخص‌های ذهنی و مقایسه عینی استفاده می‌کند. شاخص‌هایی که بر آن‌ها تاکید می‌کند، بهداشت، مسکن، خدمات عمومی، شادمانی خانوادگی، تعلیم و تربیت فرصت‌های اشتغال، درآمد، خوراک، حق رای، امید به زندگی، مصرف سرانه پروتئین حیوانی، درصد ثبت نام در مدارس، متوسط تلفن و روزنامه و نظایر آن می‌باشد (اسمیت، ۱۳۸۱). ۱۸۹-۱۶۰. کمیته بحران جمعیت در تحقیق مفصلی به سنجش کیفیت زندگی در یک‌صد شهر بزرگ جهان پرداخته و تعدادی شاخص را به عنوان عوامل موثر در چگونگی کیفیت زندگی معرفی نمود. این شاخص‌ها شامل: بهداشت عمومی، آرامش عمومی، حمل و نقل، هوای سالم، امنیت عمومی، هزینه خوراک، فای سکونت، تسهیلات عمده مسکن و ارتباطات می‌شود (آسایش، ۱۳۸۰).

در پژوهشی که تحت عنوان پروژه شهر سالم در تورنتو انجام شده است (۱۹۹۳)، پنج بعد را برای سنجش کیفیت زندگی شهری در تورنتو در نظر گرفته است. این ابعاد عبارتند از: حیات اقتصادی، محیط زیست، بهداشت جامعه، حمل و نقل و ایمنی. در ادامه به منظور سنجش هر یک از این ابعاد، شاخص‌هایی را تدوین نموده است. از ویژگی‌های این پروژه می‌توان به این اشاره نمود که مقیاس و دوره زمانی که شاخص بوسیله آن‌ها ساخته شده است نیز به روشنی ذکر شده است (لطفی، ۱۳۸۸). پس به طور کلی شاخص‌های سنجش کیفیت زندگی شهری به دو دسته عینی و ذهنی تقسیم می‌شوند که شاخص‌های ذهنی عمدتاً مبتنی بر پاسخ‌های روان-شناختی شامل، رضایت‌مندی زندگی، رضایت‌مندی شغلی، شادی فردی و سایر موارد می‌باشند و شاخص‌های عینی مبتنی بر سنجش کمیت‌های فیزیکی است. مثلاً استانداردهای زندگی، وضعیت سلامت جسمی، درآمد و

دبلیو. آی. توماس اشاره کرد. در این رویکرد رضایت‌مندی و خوش‌بختی به عنوان معرف‌های اصلی سنجش یاد می‌شود. در کنار دو رویکرد بالا، رویکرد دیگری نیز وجود دارد که بر دو بعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی تاکید می‌کند که می‌توان به روش‌های اجتماعی و اقتصادی در کیفیت زندگی اشاره کرد (عظیمی، ۱۳۸۹).

در تقسیم‌بندی دیگری رویکردهای مربوط به کیفیت زندگی به دو دسته توصیفی و تبیینی تقسیم شده است: رویکردهای توصیفی رابطه‌ی کیفیت زندگی را با متغیرهایی چون جنس، سن، سواد بررسی کرده و مسئله محوری آن‌ها، سنجش کیفیت زندگی بر اساس متغیرهای زمینه ای است. اما رویکردهای تبیینی معطوف به شناخت عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی اعم از عوامل عینی و ذهنی هستند که رویکردهای تبیینی خود به دو دسته عاملیت‌گرا و ساختارگرا تفکیک می‌شوند (فرجی ملایی ۱۳۸۹) که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در این پژوهش مهم‌ترین ابعاد کیفیت زندگی، شاخص‌ها، مدل‌ها، تعاریف کیفیت زندگی و هم‌چنین مهم‌ترین تئوری‌های کیفیت زندگی مطرح گردید. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت کیفیت زندگی مفهومی کاملاً نسبی است که در جوامع مختلف با ویژگی‌های متفاوت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی مفاهیم متفاوتی را در اذهان متبادر می‌سازد. هم‌چنین فنون و روش معینی برای سنجش کیفیت زندگی وجود ندارد اما در عین حال یکی از بهترین روش‌ها برای بررسی کیفیت زندگی، استفاده از فنون مقایسه‌ای (مثلاً روش‌های تحلیل چند معیار)، می‌باشد.

پیشینه داخلی و خارجی

کمیت مطالعات انجام شده در ایران در مورد کیفیت زندگی شهری نسبت به کشورهای غربی و حتی کشورهای آسیایی کمتر است. این درحالی است که با توجه به تغییرات سیاسی و اجتماعی - اقتصادی پدید آمده در چند دهه‌ی اخیر در کشور، پژوهش در خصوص چگونگی کیفیت زندگی و تغییرات پدید آمده در سطح زندگی مردم بسیار ضروری می‌نماید. در این زمینه، تحقیقات پراکنده‌ای نیز صورت گرفته است که به بررسی برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

گردیده است، که به عنوان مدل متابولیسم بسط داده شده سکونتگاه‌های انسانی نامیده می‌شود. در این مدل برای نخستین بار سلامت به عنوان شاخص قابلیت زندگی مطرح گردید.

در مدل مارانز^{۲۱} (۲۰۰۳) تسهیلات شهری و محیطی با کیفیت جامعه، فعالیت‌های فردی، رضایت‌مندی و سلامت جسمی مرتبط است. تسهیلات محیطی شامل هم امکانات تفریحی طبیعی مانند دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، جنگل‌های مردابی و فضاهای سبز و هم کیفیت محیطی شامل آب و هوا، سر و صدا و زباله‌های جامد و خطرناک می‌شود. تسهیلات شهری هم شامل امکانات گذران اوقات فراغت دست‌ساز انسان (مانند استخرهای شنا، خطوط دوچرخه‌سواری، امکانات گلف و ...) و امکانات فرهنگی (مانند تئاتر، کتابخانه‌ها، گروه‌های موسیقی، تیم‌های ورزشی و ...) می‌باشد. در یک جمع بندی کلی از مدل‌های مذکور می‌توان گفت که علیرغم اشتراکات بسیار، تفاوت‌هایی نیز بین این مدل‌ها به چشم می‌خورد. نکته مهم در این زمینه اهمیت تفاوت‌های فرهنگی کشورها بویژه در تعیین ابعاد ذهنی کیفیت زندگی است.

رویکردهای کیفیت زندگی

در راستای رویکردهای کیفیت زندگی و کیفیت زندگی شهری تقسیم‌بندی‌های مختلفی صورت گرفته است، که در این جا به اختصار به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. به طور کلی از تحقیقاتی که درباره کیفیت زندگی انجام شده، دو رویکرد کاملاً مجزا به وجود آمده است:

الف: رویکرد اسکاندیناویایی کیفیت زندگی: این

رویکرد، رویکردی است که در اکثر کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای اسکاندیناوی طرفدار دارد و جان درینوسکی^{۲۲} و ریچارد تیموس^{۲۳} آن را ابداع کرده‌اند. در این رویکرد بر شرایط عینی زندگی و معرف‌های مرتبط با آن تاکید شده است و کیفیت زندگی افراد در گرو ارضای نیازهای اولیه زندگی است.

ب: رویکرد آمریکایی: در بیش‌تر تحقیقاتی که در کشور آمریکا در مورد کیفیت زندگی انجام شده است، محققان بیش‌تر به تجارب ذهنی افراد از زندگی‌شان توجه کرده و بر معرف‌های ذهنی تاکید کرده‌اند. از اثرگذاران بر این رویکرد می‌توان به روان‌شناس اجتماعی

جدول (۱) رویکردهای کیفیت زندگی

رویکردها	ویژگی‌های راهبردی	مفاهیم اصلی رویکرد
عاملیت‌گرایی	بیش‌تر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد است، و نه شرایط ساختاری، - فردگرایی روان‌شناختی اجتماعی و محیط پیرامونی	
مطلوبیت‌گرایی	انتخاب امکانات و گزینه‌هایی که فراوان‌ترین لذت را برای بیش‌ترین افراد ایجاد کند - بیش‌تر معطوف به چگونگی به حداکثر رساندن بهره و خیر عمومی معطوف است - به جای تحمیل ارزش‌های جامعه، به هر فرد اجازه می‌دهد که به انتخاب‌های خاص خود بپردازد	اصل سودمندی - اصل انتخاب
ارزش‌های عام	فراهم آوردن این امکان که زندگی خوب چگونه است و چگونه می‌تواند بهتر شود - هدف‌مند ساختن و سمت و سو بخشیدن به زندگی انسان - نشان دادن نمایی کلی از عوامل تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی	- تاکید بر ارزش‌های انتزاعی و امور غیر واقعی - تاکید بر جنبه عمومی ارزش‌ها
نیازهای اساسی	تاکید بر تامین نیازهای اولیه و اساسی مانند تغذیه، مسکن و بهداشت - مناسب بودن برای سنجش کیفیت زندگی اولیه در کشورهای بسیار محروم - مفهومی کامل و فراگیر را از کیفیت زندگی ارائه نمی‌دهد.	- تاکید بر ارزش‌ها و امور واقعی - تمرکز بر کالا و خدمات
توسعه انسانی	هدف اصلی در این رویکرد بهزیستی انسان است و انسان فعل و منبع اصلی توسعه به - مردم‌گرا بودن توسعه شمار می‌آید - حوزه‌های مورد مطالعه این رویکرد بیش‌تر آموزش، بهداشت و اشتغال است	
نیازهای انسانی	شاخص اصلی در این رویکرد امید به زندگی است - تامین نیازها در واقع پیش‌نیاز مشارکت در تامین اجتماعی است - همه افراد دارای حق مسلم در تامین نیازهای‌شان هستند	- مکمل بودن نیازها - آزادی انتخاب و تصمیم‌گیری
رویکرد قابلیت	محور اصلی این رویکرد، تاکید بر مجموعه قابلیت‌هایی است که شخص توان آن را دارد -تاکید بر مفهوم‌سازی کیفیت یا باید داشته باشد - گسترش آزادی، چه به عنوان هدف اولیه و چه به مثابه ابزار اصلی توسعه، باید در نظر -تاکید بر توانایی افراد در دست‌گرفته شود. در این رویکرد در ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها، به جای متمرکز شدن صرف یابی به کارکردهای مورد نظر بر وضعیت ذهنی افراد بر آن‌چه که این‌ها می‌توانند انجام دهند تمرکز می‌گردد.	زندگی
رویکردهای ساختارگرا	مفهومی کامل و فراگیر را از کیفیت زندگی ارائه می‌کند که تمام حوزه‌های مؤثر بر -کلیت‌گرایی و فراگیر بودن کیفیت زندگی را در بر می‌گیرد. - کیفیت زندگی در معنای واقعی نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط یا پیوندهای مشترک اجتماعی باشد. - تاکید بر اینکه کیفیت زندگی فراتر از مفهوم فرایندها و دستاوردها و تحقق فردی است.	کیفیت زندگی

منبع: غفاری و امیدی ۱۳۸۸

کوکبی (۱۳۸۶) در تحقیق خود با هدف سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی در مراکز شهری به مطالعه موردی مرکز شهر خرم‌آباد و تعیین سطح کیفیت زندگی در آن پرداخته است. به همین منظور با تدوین معیارهایی در عرصه‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیرساختی، زیبایی‌شناختی، زیست‌محیطی و غیره) که متأثر از شرایط و اوضاع فرهنگی و اجتماعی محدوده مطالعه (مرکز شهر خرم‌آباد) است به آزمون و ارزیابی آن‌ها در مرکز شهر خرم‌آباد پرداخته است. نتایج و ارزیابی این مطالعه بیانگر قرار داشتن مرکز شهر خرم‌آباد در رده مراکز شهری با کیفیت زندگی شهری پایین بوده است.

باسخا و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان رتبه‌بندی شاخص کیفیت زندگی در استان‌های کشور، به بررسی شاخص‌های مؤثر در بهبود کیفیت زندگی پرداخته و با استفاده از روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی، به رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص کیفیت زندگی پرداخته است. با تخصیص وزن‌های متفاوت به شاخص‌های کیفیت زندگی و اهمیت دادن به مؤلفه‌های مختلف اقتصادی، محیطی و اجتماعی، مشخص کردند که جایگاه استان‌های تهران، آذربایجان شرقی و خوزستان استان‌های برتری بوده‌اند که بالاترین کیفیت زندگی را به خود اختصاص داده‌اند.

رضوانی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود به مطالعه توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری در شهر نورآباد استان لرستان، با استفاده از شاخص‌های عینی و ذهنی پرداخته‌اند مقایسه نتایج کیفیت عینی و ذهنی زندگی در شهر نورآباد نشان



زندگی از تحلیل عاملی استفاده شده و شاخص ترکیبی کیفیت زندگی بر اساس وزن‌دهی فاکتورها با استفاده از امتیازات به دست آمده از تحلیل عاملی ایجاد شده است. لی (۲۰۰۸) با استفاده از شاخص‌های ذهنی به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر تاپیه پرداخته است. در این راستا ۳۳۱ نفر از ساکنان شهر تاپیه به منظور پیمایش ارزیابی ذهنی ساکنان از کیفیت زندگی مورد مطالعه گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که محل زندگی، زناشویی، سن، تحصیلات و درآمد قلمروهای مختلف رضایت را تحت تاثیر قرار می‌دهند. علاوه بر آن، وضعیت اجتماع، تعلقات محلی، و رضایت از محله بیش‌ترین تاثیر را بر رضایت از کیفیت زندگی دارند.

داس (۲۰۰۸) ارتباط بین محیط و کیفیت زندگی شهری را بررسی کرده است. در این تحقیق هر دوی شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری، برای مطالعه کیفیت کلی زندگی مورد توجه قرار گرفته است. در چارچوب مفهومی او محیط خارجی زندگی یعنی بعد عینی با ادراک افراد از محیط زندگی‌شان یعنی بعد ذهنی ترکیب شده است.

آلنگین و همکاران (۲۰۰۱) این مفهوم را در شهر استانبول مورد بررسی قرار دادند. هدف از این پژوهش، مدلینگ کردن اولویت‌ها، انتظارات و نیازهای ساکنین شهر استانبول که شهری با جمعیتی در حدود ۱۰ میلیون نفر می‌باشد، با استفاده از یک راهبرد چند جانبه می‌باشد. رویکرد این پژوهش در سنجش و بررسی کیفیت زندگی شهری در استانبول بر اساس رویکرد سنجش کیفیت زندگی شهری با استفاده از شاخص‌های عینی بوده است. مهم‌ترین نتیجه حاصل از این پژوهش اولویت‌بندی جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی شهری در استانبول جهت تمرکز سیاست‌ها و راهبردهای شهرسازی بر روی آن‌ها بوده است.

ارائه مدل پیشنهادی سنجش کیفیت زندگی

با توجه به مطالعات صورت گرفته در ایران، می‌توان به این نتیجه رسید که کیفیت زندگی در نواحی مختلف با زمینه‌های متفاوت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به طرق مختلف قابل بررسی و مطالعه است. بنابراین نمی‌توان مدل و چارچوب خاص نگرشی را به عنوان مبنای استاندارد شده‌ای برای نواحی مختلف تجویز کرد. بر این اساس با توجه به شرایط خاص کشور ایران و ابعاد خاص اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و

می‌دهد که ۲۵ درصد خانوارها در حالت بهزیستی و ۳۰/۱ درصد در حالت محرومیت قرار دارند؛ در حالی که ۲۴/۴ درصد آن‌ها در حالت ناهماهنگی و ۲۰/۴ درصد در حالت انطباق قرار گرفته‌اند. هر چند که هم‌بستگی بین ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی بالا نیست، اما به طور کلی، یافته‌های تحقیق اهمیت مطالعه هم‌زمان ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی را نشان می‌دهد، که می‌تواند به پیش‌برد مطالعات کیفیت زندگی شهری کمک نماید.

علی اکبری و امینی (۱۳۸۹) به منظور بررسی تغییرات کیفیت زندگی شهری طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۸۵ با استفاده از شاخص‌های شش‌گانه مسکن، بهداشت، آموزش، ارتباطات، انرژی و گردشگری، به این نتیجه رسیدند که ضریب برخورداری در اکثر شاخص‌ها کاهش یافته است.

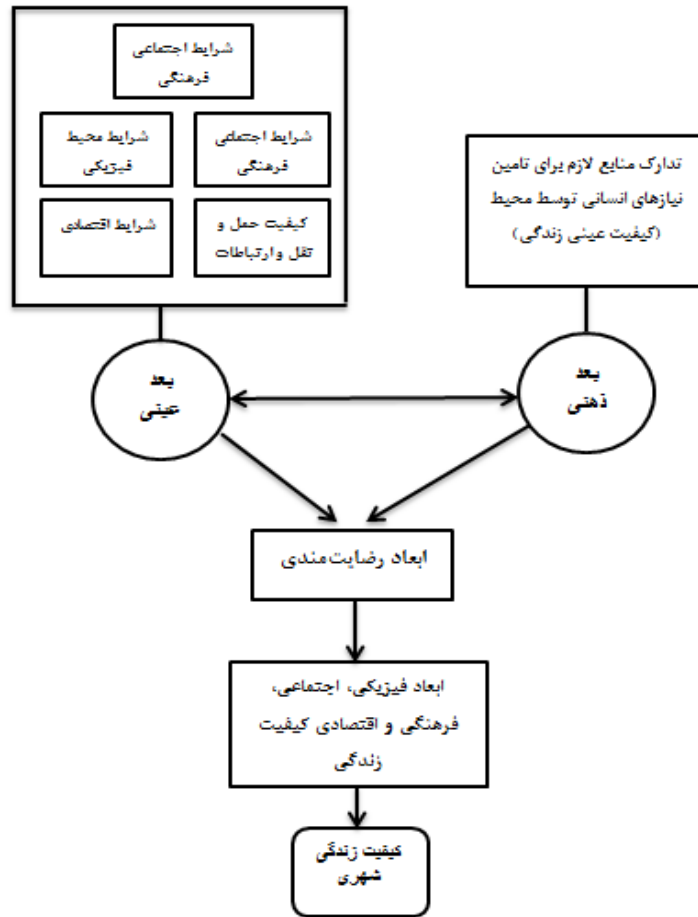
ملائی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود به بررسی نواحی مختلف شهری ایران بر اساس شاخص‌های تعریف شده در رابطه با کیفیت زندگی پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نواحی مختلف شهری ایران دارای شکاف بارزی از منظر شاخص‌های کیفیت زندگی شهری است. از ۲۵۳ شهر مورد بررسی تنها ۲۴ شهر؛ یعنی ۹،۵ درصد در سطح برخورداری قرار دارند. نزدیک به ۵۰ درصد از نواحی شهری مورد مطالعه به عنوان نواحی محروم هستند. تهران به عنوان یک ناحیه شهری ناهمگن خود را از سایر نواحی شهری مجزا ساخته است.

ون پول (۱۹۹۷) در شهر روتردام هلند، اندازه مسکن، تراکم ساختمان‌ها و زیبایی‌شناسی آن‌ها، فضاهای سبز، امنیت، پیوندهای اجتماعی، دسترسی به محل کار و خدمات اساسی، بهداشت محیطی، آلودگی صوتی و تسهیلات واحدهای مسکونی را به عنوان تعیین‌کننده‌های کیفیت زندگی مشخص ساخته است.

تان سیک (۲۰۰۰) در مطالعه خود با استفاده از شاخص‌های ذهنی به بررسی و مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری کشور سنگاپور پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سلامت و زندگی خانوادگی بیش‌ترین تاثیر را بر کیفیت زندگی دارند.

لی و ونگ (۲۰۰۷) با استفاده از شاخص‌های عینی به مطالعه کیفیت زندگی در شهر ایندیاناپولیس پرداختند. هدف اصلی این مطالعه ارایه روشی برای تلفیق داده‌های سرشماری و سنجش از دور برای ارزیابی کیفیت زندگی در GIS در درون چارچوب شهر ایندیاناپولیس بود. برای استخراج فاکتورهای غیر هم‌بسته کیفیت





شکل ۱: مدل پیشنهادی برای کیفیت زندگی شهری
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۱

پرسشنامه از طریق یکی از افراد بالای ۱۸ سال به‌دست آمد. برای سنجش اعتبار درونی از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. بدین صورت که پس از تنظیم پرسشنامه و طراحی گویه‌های لازم برای متغیرهای پژوهش از طریق اساتید و متخصصان این زمینه میزان اعتبار وسیله سنجیده شد. همچنین برای اندازه‌گیری پایایی تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. به همین منظور ابتدا در قالب آزمون مقدماتی برای سنجش درستی گویه‌ها و معرف‌های گنجانده شده در پرسشنامه در سه محله متفاوت (استادان، هنرستان و حصار امام) در شهر همدان به صورت تصادفی انتخاب شد و تعداد ۵۰ پرسش‌نامه در بین خانوارهای انتخاب شده توزیع و نتایج به‌دست آمده در سطح نمونه مورد نظر مورد بررسی قرار گرفت. بعد از محاسبه پایایی، سوالاتی که باعث پایین آمدن پایایی کل می‌شدند، حذف شدند (جدول ۱).

سیاسی می‌توان مدل زیر را به عنوان خلاصه‌ای از مهم-ترین ابعاد تاثیر گذار در کیفیت زندگی شهری شهروندان ذکر کرد (شکل ۲).

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر پیمایشی است و با استفاده پرسشنامه داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شده است. جامعه آماری خانوارهای ساکن در شهر همدان می‌باشند که در این میان ۳۸۰ خانوار با استفاده از جدول مورگان و کریجی به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات ابتدا شهر همدان به صورت خوشه‌ای به محلات نسبتاً هم‌گون تقسیم، و سپس در مرحله بعد پس از تعیین خوشه‌ها و بلوک‌ها با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی، نمونه نهایی برگزیده شد. به همین منظور ابتدا شهر به چهار خوشه مبتنی بر طرح محله‌بندی شهر همدان تقسیم، سپس محلات از بین خوشه‌های چهار-گانه انتخاب شدند و در نهایت اطلاعات بوسیله

این محله کم‌ترین میزان را در طبقه‌ی بالای ارزیابی نیز داشته است.

برای سنجش اینکه آیا بعد ذهنی (رضایت از تامین نیازها) بر دیگر ابعاد کیفیت زندگی ارجحیت دارد از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، دو بعد کیفیت زندگی توانسته‌اند ۲۱ درصد متغیر وابسته یعنی رضایت از کیفیت زندگی را تبیین کنند.

در جدول ۴ و با توجه به مقادیر بتای گزارش شده ملاحظه می‌شود که تاثیر متغیر بعد ذهنی نسبت به بعد عینی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است و تاثیر بیش‌تری بر روی متغیر وابسته داشته است. به این معنی که هر یک انحراف استاندارد افزایش در بعد ذهنی، میزان رضایت از کیفیت زندگی را به میزان ۰/۴۶۴ درصد افزایش می‌دهد. در نتیجه با توجه به نتایج آزمون، فرضیه اول تایید می‌گردد (جدول ۴).

با استفاده از تحلیل واریانس به بررسی میزان رضایت از کیفیت زندگی در میان چهار محله مورد تحقیق (متخصصین، پردیس، رکنی، دیزج) پرداخته شده است. برای مشخص شدن اینکه آیا بین میانگین نمرات رضایت از کیفیت زندگی در میان محلات تفاوت وجود دارد یا خیر، به سطح معناداری F لون نگاه می‌کنیم. چنان‌چه سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، همگنی یا برابری واریانس‌ها پذیرفته می‌شود. با توجه به نتایج جدول ۵ و معنی‌دار بودن F لون همگنی واریانس‌ها پذیرفته شده و برای مشخص شدن اینکه بین کدام محلات تفاوت وجود دارد از آزمون فیشرف LSD استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که میزان رضایت از کیفیت زندگی در محله‌ی متخصصین با سه محله دیگر تفاوت معنی‌داری دارد ولی بین سه محله دیگر با هم این تفاوت معنی‌دار نبوده است (جدول ۶). نتایج هم‌چنین نشان داد

جدول ۲: میزان پایایی شاخص‌های تحقیق

نام متغیرها	ضریب آلفا
کیفیت حمل و نقل و ارتباطات	۰/۷۴
شرایط اقتصادی	۰/۷۴
شرایط اجتماعی فرهنگی	۰/۷۷
شرایط کالاهای اجتماعی	۰/۷۲
شرایط محیط فیزیکی	۰/۷۵

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق میدانی که از سوی محققین در شهر همدان انجام شده است، نشان داد که رابطه‌ی میان کیفیت زندگی و سن پاسخ‌گویان از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است. در این متغیر بیش‌تر پاسخ‌گویان در همه‌ی گروه‌های سنی در طبقه‌ی متوسط قرار گرفته‌اند. رابطه‌ی میان جنسیت و ارزیابی از کیفیت زندگی نیز از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است. در این متغیر، بیش‌تر افراد در هر دو جنس، در طبقه‌ی متوسط و کم‌ترین تعداد نیز در طبقه‌ی بالا قرار دارند. بررسی رابطه‌ی میان تحصیلات افراد و ارزیابی از کیفیت زندگی نشان داد که رابطه‌ی میان دو متغیر مذکور از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بوده است. به طور کلی افراد دارای سطح تحصیلات پایین‌تر ارزیابی کم‌تری از کیفیت کلی زندگی داشته‌اند ولی گروه‌های تحصیلی بالاتر ارزیابی بالاتری از کیفیت کلی زندگی داشته‌اند. در بررسی رابطه‌ی میان نوع محله با ارزیابی از کیفیت زندگی مشخص شد که رابطه‌ی میان این دو متغیر از لحاظ آماری و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ درصد معنی‌دار بوده است. بیش‌ترین ارزیابی پایین در میان ساکنین محله رکنی بوده است که ۳۰/۱ درصد افراد را شامل شده است. از طرفی کم‌ترین ارزیابی پایین مربوط به محله‌ی دیزج بوده است که تنها ۱۰/۵ درصد افراد را شامل می‌شود.

جدول ۳: آماره‌های مربوط به برازش مدل در رابطه‌ی بین دو بعد عینی و ذهنی با میزان رضایت‌مندی شهروندان

مدل	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Durbin-Watson
۱	۰/۴۶۲	۰/۲۱۴	۰/۲۱۰	۰/۸۱۱	۱/۹۷۶

جدول ۴: نتایج ضرایب تأثیر رگرسیونی دو بعد ذهنی و عینی کیفیت زندگی

Sig	T	Standardized Coefficients		Unstandardized Coefficients		
		Beta		Std. Error	B	
۰/۰۰۰	۷/۴۷۳			۰/۱۷۳	۱/۲۸۹	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۰/۲۵۷	۰/۴۶۴		۰/۰۰۷	۰/۰۶۸	کیفیت زندگی (ذهنی)
۰/۶۸۹	-۰/۴۰۱	-۰/۰۱۸		۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	کیفیت زندگی (عینی)

جدول ۵: مقایسه‌ی میانگین رضایت از زندگی پاسخ‌گویان در بین محلات

Anova		Levene statistic		متغیر مستقل
F	Sig	F	Sig	
۲/۳۴۰	ns	۱۴/۰۷۳	xx	محله

xx = معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ = ns غیرمعنی دار

صورت می‌گیرد. حاصل این مرحله هم تعیین و معرفی شاخص کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه است. کیفیت زندگی شهری واژه‌ای پیچیده و چندبعدی در رابطه با وضعیت زندگی مردم در یک مقیاس جغرافیایی خاص است. شاخص‌های کیفیت زندگی شهری بیش‌تر ارزش محورند، بدین معنا که می‌باید با توجه به شرایط هر جامعه و در دو بعد ذهنی و عینی به صورت توأمان مدنظر قرار گیرند. یافته مهم این مطالعه تاکید بر اهمیت مطالعه هم‌زمان کیفیت عینی و ذهنی زندگی را به جای استفاده جداگانه از یکی از این رویکردها پیشنهاد می‌کند. اگر طراحان و برنامه‌ریزان شهری قصد دارند که درک درستی از فضاهای شهری و کیفیت زندگی ساکنان داشته باشند، باید رابطه مناسبی با مناسبات اجتماعی که در شکل‌گیری این فضاها دخالت دارند، برقرار کنند. بنابراین بسیار مهم است که شرایط کیفیت زندگی در محیط‌های شهری به صورت پیوسته، تحلیل و ارزیابی شده و ارتقاء سطح رضایت ساکنان با استفاده از بهبود شاخص‌های عینی و ذهنی به هدف اولیه طرح‌های توسعه و روند تصمیم‌سازی تبدیل شود. اکنون در راستای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه کشور و همسو با اهداف هزاره سازمان ملل و دستیابی به توسعه انسانی توجه به معیارهای کیفیت زندگی شهری در پنج عرصه اصلی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی و ارتباطات ضروری است. بدیهی است اندازه‌گیری هر یک از معیارهای مذکور نیازمند تدوین متغیرهایی است که می‌باید با توجه به شرایط خاص هر جامعه انتخاب گردند و مبنای عمل قرار گیرند.

به دلیل تفاوت در سطوح توسعه، کیفیت زندگی نیز در استان‌های مختلف ایران متفاوت است. در استان‌های کمتر توسعه یافته، به دنبال سطوح پایین سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، کیفیت زندگی در سطوحی پایین قرار دارد. این در حالی است که در استان‌های غنی‌تر؛ یعنی نقاطی که نیازهای اساسی افراد به خوبی برطرف می‌گردد، کیفیت زندگی در سطح بالاتری قرار دارد. همین‌طور، خدمات با کیفیتی بالاتر در اختیار افراد جامعه قرار می‌گیرد. در این

که محله متخصصین بیش‌ترین اختلاف را با محله دیزج داشته است و پس از آن محله رکنی قرار دارد، ضمن این‌که کم‌ترین اختلاف بین محله متخصصین با محله پردیس بوده است. با توجه به F تحلیل واریانس که معنی‌دار نبوده است، لذا فرضیه دوم مبنی بر عدم تفاوت معنادار بین محلات تایید شد (جدول ۵ و ۶).

جدول ۶: مقایسه‌ی سطح معنی‌داری کیفیت زندگی در

بین محلات

سطح معنی‌داری	
۰/۰۳۶	پردیس*
۰/۰۴۴	رکنی*
۰/۰۲۲	دیزج*
۰/۰۳۶	متخصصین*
ns	رکنی
ns	دیزج
۰/۰۴۴	متخصصین*
ns	پردیس
ns	دیزج
۰/۰۲۲	متخصصین*
ns	پردیس
ns	رکنی

* تفاوت بین محلات معنی‌دار است

جمع بندی و نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهری در هر مقیاس جغرافیایی نیازمند تعریف و شاخص‌سازی آن است. در بسیاری از کشورها مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای سنجش و پایش کیفیت زندگی در سطوح ملی، منطقه‌ای، شهری و محلی ایجاد شده است. با در نظر گرفتن مقیاس ملی، منطقه‌ای، شهری و یا محلی، هر مطالعه ایده‌آل کیفیت زندگی شامل دو مرحله اساسی است. مرحله اول، در برگیرنده مبنای نظری مطالعه از طریق تعیین قلمروها و شاخص‌های کیفیت زندگی است. این مرحله عمدتاً مرحله تعیین معیارها است و به تهیه پرسش‌نامه ختم می‌شود. مرحله دوم، مرحله‌ای است در آن انجام پیمایش، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل نتایج

اسمیت، دیوید (۱۳۸۱). **رفاه انسانی و عدالت اجتماعی**، ترجمه حسین حاتم‌نژاد و حکمت شاهی اردبیلی، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هفدهم، شماره‌های ۱۸۶ و ۱۸۵، ۱۷۳-۱۶۰.

باسخا، مهدی، عاقلی کهنه شهری، لطفعلی و مسائلی، ارشک (۱۳۸۸). **رتبه‌بندی شاخص کیفیت زندگی در استان‌های کشور**، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۷، ۱۱۲-۹۵.

باری، نورمن (۱۳۸۰). **رفاه اجتماعی**، ترجمه سید اکبر میرحسینی و سید مرتضی نوربخش، چاپ اول، انتشارات سمت.

چاران‌دوب، شیاما (۱۳۷۷). **نوسازی و توسعه**، ترجمه مرتضی قره‌باغیان و مصطفی ضرغامی، چاپ اول، انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا.

خادم‌الحسینی، احمد و منصوریان، حسین و ستاری، محمدحسین (۱۳۸۹). **سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری**، مطالعه موردی: شهر نورآباد استان لرستان، فصل‌نامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول، شماره سوم، ۶۰-۴۵.

ربانی خوراسگانی، علی و کیان‌پور، مسعود (۱۳۸۶). **مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی**، مطالعه موردی: شهر اصفهان، مسایل اجتماعی ایران، سال پانزدهم، شماره ۵۹-۵۸، ۱۰۸-۶۷.

رضوانی، محمدرضا، متکان، علی اکبر، منصوریان، حسین و ستاری، محمدحسین (۱۳۸۸). **توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری**، مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای سال اول، شماره دوم، ۱۱۰-۸۷.

سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۸۱). **فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای**، چاپ دوم، دانشگاه شیراز.

عظیمی، آزاده (۱۳۸۹). **ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی شهری**، ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی، شماره ۵۵، ۸-۴.

علی‌اکبری، اسماعیل و امینی، مهدی (۱۳۸۹). **کیفیت زندگی شهری در ایران: ۱۳۸۵-۱۳۶۵**، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶، ۱۴۸-۱۲۱.

فاضلی، محمد (۱۳۸۹). **ارزیابی تأثیرات اجتماعی**، چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان.

قبیل نقاط شرایط مسکن، نقاط تفریحی و گذران اوقات فراغت در سطح بالاتر و رضایت بخش‌تری قرار دارد؛ نیازهای جوانان بهتر برطرف می‌گردد، زمینه اشتغال بیش‌تر فراهم است و غیره. چنین وضعیتی چرخه‌ای از رفاه، بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و نظایر آن را فراهم می‌آورد. نتایج پژوهش میدانی صورت گرفته توسط محققین نشان می‌دهد در بررسی روابط دو متغیره میان متغیرهای مستقل با میزان ارزیابی از کیفیت زندگی، آمارها نشان‌حاکمی از آن است که بین متغیرهای سن و جنس با متغیر وابسته به لحاظ آماری رابطه‌ی معناداری وجود ندارد اما بین تحصیلات و نوع محله با میزان ارزیابی از کیفیت زندگی رابطه معنی‌دار می‌باشد.

مطالعات صورت گرفته در ادبیات مربوطه، نشان می‌دهد رابطه‌ی ضعیفی بین شاخص‌های عینی کیفیت زندگی شهری و شاخص‌های ذهنی آن وجود دارد. در نتیجه الزاماً نمی‌توان گفت با بهبود در وضعیت شاخص‌های عینی، در وضعیت شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی شهری نیز بهبود حاصل می‌شود. بنابراین به دلیل ارتباط ضعیف بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری، برنامه‌ریزان شهری نمی‌بایست از شاخص‌های ذهنی برای اندازه‌گیری تغییرات در کیفیت عینی زندگی شهری استفاده کنند. در واقع ممکن است علی‌رغم این‌که در شاخص‌های عینی زندگی شهری بهبود حاصل شده باشد لیکن شاخص‌های ذهنی چنین چیزی را نشان ندهند. بنابراین در این پژوهش سعی شده است که هر دو شاخص‌های عینی و ذهنی در نظر گرفته شوند و فرض بر این است که بعد ذهنی نسبت به بعد عینی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. در فرضیه نخست و با توجه به مقادیر بتای گزارش شده مشخص شد که تأثیر متغیر بعد ذهنی نسبت به بعد عینی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است و تأثیر بیش‌تری بر روی متغیر وابسته داشته است. به این معنی که هر یک انحراف استاندارد افزایش در بعد ذهنی، میزان رضایت از کیفیت زندگی را به میزان ۰/۴۶۴ درصد افزایش می‌دهد. در نتیجه با توجه به نتایج آزمون، فرضیه اول تایید می‌گردد.

منابع و مآخذ

آسایش، حسین (۱۳۸۰). **سنجش کیفیت زندگی در یکصد شهر بزرگ جهان**، فصل‌نامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره هشتم، ۱۰۵-۹۴.

- آن در ایران، چاپ دوم، شرکت طرح و نشر پیام سیما.
- وظیفه‌دوست، حسین و امینی، مهدی (۱۳۸۸). **بررسی میزان اهمیت شاخص‌های کیفیت زندگی شهری: ازدیدگاه مدیران و متخصصان مدیریت شهری**، فصل‌نامه مطالعات مدیریت شهری، سال اول، شماره سوم، ۱۸-۱.
- Lee, Y.-J., (2008), Subjective quality of life measurement in Taipei, *Building and Environment*, 43(7), 1205-1215.
- Malkina-Pykh, Irina G. and Pykh, Yuri A. (2007), "Quality of life indicators at different scales: theoretical background". *Ecological Indicators*. No. 228, 854-862.
- Marans, Robert W. (2003), "Understanding environmental quality through quality of life studies: the 2001 DAS and its use of subjective and objective indicators". *Landscape and Urban Planning*. No. 65(1-2), 73-83.
- Massam, B.H. (2002), "Quality of life: Public planning and private living". *Progress in Planning*, 58, 141-227.
- McCrea, R., Shyy, T.-K. and Stimson, R., (2006), What is the Strength of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life?, *Applied Research in Quality of Life*, 1(1), 79-96.
- Mitchell, G., Namdeo, A., Kay, D., (2001), A new disease-burden method for estimating the impact of outdoor air quality on human health., *Science of the Total Environment*, 246, 153-164.
- Naude, W., Rossouw, S., Krugell, W., (2009), The non-monetary quality of city life in South Africa, *Habitat international*, 33(4), 319-326.
- Pacione, M., 2003, Urban environmental quality and human wellbeing- a social geographical perspective, *Landscape and Urban Planning*, NO. 65(1-2), 19-30.
- Santos, L. and Martins, I., (2007), Monitoring Urban Quality of Life: The Porto experience, *Social Indicators Research*, 80(2), 411-425.
- Schyns, Peggy and Jeroen Boelhouwer (2004), Measuring Quality Of Life in Amsredam from the viewpoint of participation, The Amsterdam bureau for Research an statistics/ Social and Cultural Planning Office.
- Tuan Seik, f. (2000): Subjective assessment of urban quality of life in Singapore, *Habitat International*, 24(1), 31-49.
- فرجی ملایی، امین، رهنمایی، تقی و فرهودی، رحمت‌اله (۱۳۸۹). **تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی شهری و برنامه ریزی برای بهبود آن**، مورد شهر بابلسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- فرجی ملایی، امین (۱۳۸۹). **رویکردهای کیفیت زندگی**، نشریه شوراها، سال پنجم، شماره ۵۵، ۱۵-۹.
- فلاحی یارولی، اسدعلی (۱۳۸۹). **بررسی سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی، مطالعه موردی: بخش کاکاوند شهرستان دلفان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- قالیباف، محمد باقر، روستایی، مجتبی، رمضان‌زاده لسبویی، مهدی و طاهری، محمدرضا (۱۳۹۰). **ارزیابی کیفیت زندگی شهری: مطالعه موردی: محله یافت‌آباد**، فصل‌نامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال نهم، شماره ۳۱، ۵۳-۳۳.
- کوکبی، افشین، پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۴). **برنامه‌ریزی به منظور ارتقا کیفیت زندگی شهری در مرکز شهر: مورد مطالعه: پهنه مرکزی شهر خرم‌آباد**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- کوکبی، افشین، پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۴). **برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها، جستارهای شهرسازی**، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۲-۶.
- کوکبی، افشین (۱۳۸۶). **معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری**، نشریه هویت شهر، سال اول، شماره اول، ۸۶-۷۵.
- غفاری، غلام‌رضا و امید، رضا (۱۳۸۸). **کیفیت زندگی؛ شاخص توسعه توسعه اجتماعی**، تهران: نشر شیرازه.
- لطفی، صدیقه (۱۳۸۸). **مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف ابعاد و سنجش آن در برنامه-ریزی شهری**، فصل‌نامه جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم، ۸۰-۶۵.
- مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۲). **برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری: تجربیات اخیر جهانی و جایگاه**

Ulengin, Burc, Fusun Ulengin & Umit Guvenc (2001): A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul, *European Journal of Operation Research*, 130(2), 361-274.

Van Kamp I, Leidelmeijer K, Marsmana G, de Hollander AEM, (2003), Urban environmental quality and human well-being towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and Urban Planning*; 65, 5-18.

World Health Organization (WHO). WHOQOL: annotated bibliography (October 1999 version). Geneva: WH; 1999.

یادداشت‌ها

- ¹ Schyns & Boelhouwer
- ² Seik
- ³ Kamp
- ⁴ WHO
- ⁵ Lee
- ⁶ McCrea
- ⁷ McCall
- ⁸ Myers
- ⁹ Davidson and Cotter
- ¹⁰ O'Brien and Ayidya
- ¹¹ Garyson and Yong
- ¹² Diner and Suh
- ¹³ Turakserver and Atalik
- ¹⁴ Naude
- ¹⁵ Mitchell
- ¹⁶ Santos and Martins
- ¹⁷ Pacione
- ¹⁸ Malkina
- ¹⁹ Cheung
- ²⁰ New man
- ²¹ Marans
- ²² Jan Drenowski
- ²³ Richard Titmus
- ²⁴ Van poll
- ²⁵ Wong
- ²⁶ Dus